

## بازخوانی «کتاب رضوان» رساله‌ای منتشر نشده از میرزا عبدالحسین خان بردسیر کرمانی (میرزا آقاخان کرمانی)

علی باغدار دلگشا<sup>۱</sup>

### چکیده

هدف این پژوهش، واکاوی و بازخوانی متنی منتشر نشده از میرزا آقاخان کرمانی، یکی از دگران‌دیشان و منتقدان اجتماعی دوره پیشامشروطه با عنوان «رساله رضوان» است. رساله‌ای که با آوردن نام بسیاری از هم‌عصران نویسنده آن در محتوای درون متن، آینه و معرف زمانه نگارنده آن است. مسئله نصیحت‌گویی، پند و اندرز دادن به صاحبان قدرت کنار نقدهای اجتماعی و مواردی چون اهمیت خردورزی و رعیت‌پروری از مهم‌ترین محورهای پردازشی این رساله است. اهمیت پرداختن تحلیلی به این رساله نیز از آنجاست که این اثر تا کنون منتشر نشده؛ همچنین نگارنده آن در این رساله نسبت به ادبیات کلاسیک و برخی موارد دیگر چون مسئله ستیز با زنان، حاوی دیدگاه‌هایی است که در هیچ کدام از آثار دیگرش به آنان نپرداخته است. این پژوهش به روش اسنادی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به ویژه نسخه خطی این اثر تدوین شده است. این مقاله، تقلید میرزا آقاخان کرمانی از گلستان سعدی و نگاه مثبت او را به ادبیات کلاسیک نشان می‌دهد.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد / ali.b.delgosha@gmail.com  
نگارنده بر خود لازم می‌داند از آقایان دکتر محمدجواد مهدوی و دکتر سلمان ساکت به دلیل خوانش متن این مقاله و دکتر محمدرضا راشد محصل به دلیل راهنمایی‌های ارجمندشان در رابطه با شیوه معرفی این نسخه منتشر نشده کمال تشکر را داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: رسالهٔ رضوان، میرزا آقاخان کرمانی، مشروطه، ادبیات کلاسیک، گلستان سعدی.

## مقدمه

به عصر مشروطه و دوران نهضت فکری آن به عنوان دوره‌ای نگریسته می‌شود که روشنفکران آن دوره در راستای تأثیرپذیری از اندیشه‌های غربی و آگاهی با مبانی سیاسی نوین و اصطلاحاتی چون آزادی، عدالت، رعیت‌پروری، قانون و برابری اجتماعی به نقد سیاسی و اجتماعی جامعه و حکومت عصر خود پرداخته‌اند. در این بین، روشنفکرانی مانند میرزا آقاخان کرمانی (۱۳۱۳-۱۲۷۰ق) کنار پرداختن به نقدهای سیاسی و اجتماعی، به انتقاد از وضعیت ادبی ایران در قالب ارائهٔ طرحی گذرا نیز پرداخته‌اند؛ از این رو برای درک و شناختی صحیح‌تر از اندیشه‌ها و نگرش‌های این روشنگران در دوران تجددگرایی ایران در عصر مشروطه باید به نگارش‌های این دگراندیشان رجوع کرد تا بتوان به تحلیلی صحیح‌تر از مواضع و تغییرات فکری آنان دست یافت. در این بین لازم است به نوشته‌های منتشر نشدهٔ این روشنفکران در مورد نسخ خطی نیز توجه ویژه‌ای داشت. متونی کمتر شناخته شده که گاه ممکن است بررسی آن‌ها منجر به ارائهٔ نظراتی متفاوت نسبت به اندیشه‌های آن روشنفکران گردد.

در عرصهٔ نقد ادبی، روشنفکران مذکور، نقدهایی را به شاعرانی چون عطار، سعدی، حافظ، مولانا، جامی و عرفایی چون ابوسعید ابوالخیر با رویکرد تجددگرایانه در عرصه ادبیات کلاسیک، وارد آورده‌اند. تنها شاعری که در این دوره جایگاه والایی دارد، فردوسی است. دلیل توجه ویژه این روشنفکران به فردوسی را نیز می‌توان در رویکردهای ملی‌گرایانه و احساسات وطن‌پرستانه آنان جست و جو نمود. سعدی هم در این بین جزء شاعرانی است که در مورد تحلیل شخصیت و بررسی افکار او، میان روشنفکران مشروطه، اختلاف نظر وجود دارد. از یک سو، آخوندزاده و طالبوف قرار دارند که به جدال و نقد سعدی می‌پردازند و از دیگر سو کرمانی قرار دارد که میان روشنفکران و منتقدان ادبی، نسبت به سعدی موضعی متفاوت و نگرشی مثبت دارد.

در پژوهش حاضر، رسالهٔ رضوان، اثر میرزا آقاخان کرمانی، تحلیل و معرفی شده است؛ همچنین این رساله با دیگر آثار کرمانی مقایسه شده، شیوه‌های خاص نگارشی مندرج در آن معرفی شده و در مورد نگارش‌های محوری آن، بحث شده است.

## حیات و اندیشهٔ میرزا آقاخان کرمانی

میرزا عبدالحسین معروف به میرزا آقاخان کرمانی، از روشنفکران و دگراندیشان دورهٔ نهضت فکری مشروطه در سال ۱۲۷۰ ق. در بردسیر شهری از توابع کرمان متولد و به سال ۱۳۱۳ ق. یا ۱۳۱۴ ق. در آذربایجان به دستور محمدعلی میرزای ولیعهد به قتل رسید. همکاری کرمانی با روزنامهٔ «اختر»<sup>۱</sup> به عنوان

۱ نمونه‌های مطالب مندرج از کرمانی در روزنامهٔ اختر در شماره‌های ۳۷ از سال ۱۵ تا شمارهٔ اول از سال ۱۶ این

روزنامه منتقد قاجارها که در عثمانی منتشر می‌شد و البته ممنوعیت ورود به ایران را هم با خود به همراه داشت،<sup>۱</sup> همکاری و مراودات با میرزا ملکم خان که در این زمان روزنامه قانون را در مخالفت با ناصرالدین شاه در لندن به چاپ می‌رساند،<sup>۲</sup> تشویق ملکم به انتشار روزنامه قانون و ارسال برخی از نسخ آن به استانبول و همچنین طرفداری از سید جمال‌الدین اسدآبادی از جمله نگرشات او در مخالفت با قاجارها است. حتی به نظر می‌رسد گرایش او به «بایبه» تا حدود زیادی ریشه در همین مخالفت با قاجاریان داشته باشد، زیرا ناصرالدین شاه از بایبه و طرفداران آنان شدیداً پرهیز می‌کرد؛ بایبه‌ای که اندکی بعد از به قدرت رسیدن ناصرالدین شاه، طرح ناموفق ترور او را ریختند و در دوران حکومت ناصری به عنوان گروهی تلقی می‌شدند که مخالف حکومت و مورد تعقیب نیروهای دستگاه حکومتی بودند. نفرت میرزا آقاخان از ناصرالدین شاه را در ابیاتی که از وی در کتاب تاریخ بیداری ایرانیان باقی مانده است، می‌توان مشاهده نمود.<sup>۳</sup>

### میرزا آقاخان کرمانی در آینه آثارش

آثار میرزا آقاخان کرمانی از جهت انتشار، وضعیتی مشابه آثار میرزا فتحعلی آخوندزاده، دیگر روشنفکر دوره نهضت فکری مشروطه، دارد. کتاب سه مکتوب در سال ۲۰۰۰ در آلمان و توسط نشر نیما به زیور طبع آراسته شد. مکتوبات او شباهت بسیار زیادی به مکتوبات کمال‌الدوله از آخوندزاده دارد. شخصیت‌پردازی‌های درون متن نیز مانند اثر آخوندزاده است. مکالمات، میان دو شخص خیالی با نام‌های کمال‌الدوله و جلال‌الدوله اتفاق می‌افتد و حجم آن نیز حدوداً سه برابر اثر آخوندزاده است. میرزا آقاخان کرمانی، به دلیل تقلیدهای مشابه در این اثر، ظاهراً قصد داشته است هم مکتوبات آخوندزاده را از خطر نابودی در امان نگاه دارد و هم آن‌ها را شرح و بسط دهد و تفسیر به رأی‌های خود را نیز در آن بگنجانند. شباهت اثر دو نویسنده چندان زیاد است که می‌توان مکتوب کرمانی را شرح و توضیح مکتوبات کمال‌الدوله آخوندزاده دانست. موضوع این کتاب، انتقادات تند و تیز بر نحوه دین‌داری ایرانیان است و فرم بیانی آن نیز مکالمه است. در اثر کرمانی، طرفین گفتگو عبارتند از خود نویسنده و جلال‌الدوله - که ظاهراً شخصیتی خیالی است - دقیقاً بر همان روشی که آخوندزاده در مکتوبات کمال‌الدوله پیاده کرده است. تفاوت دیگر دو اثر در این است که اطلاعات و تحلیل‌های تاریخی اثر کرمانی از اثر آخوندزاده، عمیق‌تر است. فصل سوم سه مکتوب دربردارنده بخشی به نام سوسمارالدوله است که رضازاده ملک به صورت مجزا و به عنوان نمونه‌ای از ادبیات عامه مردم کرمان چاپ نموده است.<sup>۴</sup>

---

روزنامه که از تاریخ ۲۲ ذی حجه ۱۳۰۶ق تا ۵ محرم ۱۳۰۷ق را شامل می‌شود. پارسی نژاد، روشنگران ایرانی و نقد ادبی، ص ۶۶.

۱. مستوفی، شرح زندگانی من، ص ۱۸.

۲. کرمانی، نامه میرزا آقاخان کرمانی به میرزا ملکم خان، ص ۷-۱۲۶.

۳. کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ص ۱۴۸.

۴. رضا زاده ملک، سوسمارالدوله، ص ۶۵-۱۳۲.

کتاب دیگر کرمانی، که به نظر می‌رسد دربردارنده بیشترین مطالب دربارهٔ اسطوره‌ها و حماسه ملی ایران است، آیینیهٔ سکندری نام دارد. موضوع محوری این کتاب تاریخ ایران قبل از اسلام با رویکرد ملی‌گرایانهٔ آمیخته با تأثیر پذیری از متون دساتیری است؛ آن هم با رویکردی متفاوت از سنت تاریخ‌نویسی آن عصر. این کتاب در پنج گفتار گردآوری شده است: در باب ذکر احوال آبادیان و پیشدادیان و ایام فترت و عصر پهلوانی، ذکر احوال طبقه سلاطین کیان درمدی و پارس، در احوال ماکدونیا و فتوحات اسکندر کبیر و سلطنت سلفکیان [= سلوکیان] و اشکانیان، در احوال طبقهٔ ساسانیان و انقراض ایشان به واسطهٔ استیلای عرب و سرانجام در احوال پیمبر ختمی‌مآب (ص) و خلفای آن جناب.

یکی دیگر از آثار میرزا آقاخان، صد خطابه نام دارد؛ اثری که تا کنون در ایران به صورت رسمی منتشر نشده است. عنوان دقیق اثر عبارت است از «صورت یک‌صد خطابه‌ای است که شاهزادهٔ آزاده کمال‌الدوله دهلوی - که پدرش در زمان شاه تیمور از ایران به مرز و بوم هندوستان هجرت کرده - به دوست محترم خود نواب جلال‌الدوله شاهزادهٔ ایرانی نوشته است و شرح خرابی ایران را نگاشته». نخستین چاپ رسمی آن در سال ۱۳۸۴ به همت محمد جعفر محبوب توسط «شرکت کتاب» در لس‌آنجلس انجام گرفت. در کتابخانهٔ ملی، نسخه‌ای از این کتاب به شمارهٔ بازیابی ۲۳۰۶ و در کتابخانهٔ مجلس نسخه‌ای به شمارهٔ بازیابی ۹۰۹۳۸ موجود است و تمام نسخه‌های موجود آن مشتمل بر چهل و دو خطابه است که خطابهٔ آخر نیز نیمه تمام است. محبوب معتقد است که کلمهٔ «صد» در عنوان، ناظر بر کثرت است و لزوماً مقصود نویسنده، مفهوم ریاضی کلمه نیست. بر این اساس، اصطلاح صد برای صد خطابه به معنای خطابه‌های فراوان است.<sup>۱</sup>

صد خطابه تنها اثر ناتمام کرمانی نیست. برخی دیگر از آثار میرزا آقاخان مانند *ریحان و رضوان* نیز به صورت ناتمام رها شده است که به نظر می‌رسد شرایط زندگی شخصی و اجتماعی به او فرصت نمی‌داده تا کتاب‌هایش را به انجام برساند. در این مورد، آدمیت بر این نظر است که صد خطابه را دنبالهٔ سه مکتوب باید به شمار آورد،<sup>۲</sup> چرا که این اثر هم مشتمل است بر صحبت‌های آقاخان با جلال‌الدوله که «فردی با انصاف و مردی دانا» توصیف شده است.<sup>۳</sup> کتاب را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: بخش نخست که شامل بیست و سه خطابهٔ نخستین است و به جغرافیا، حکومت‌ها، آداب و خلق و خوی ایرانیان تا قبل از ورود اسلام به ایران اختصاص یافته و بخش دوم که به اسلام‌آوری ایرانیان و وضعیت ایران در دورهٔ خلافت اموی و عباسی می‌پردازد. تمایلات عرب‌ستیزانه، طرفداری از دین زرتشتی البته به دلیل تعصب به دین پیشین ایرانیان و رویکرد انتقادی نسبت به دین‌داری ایرانیان، از مشخصه‌های اصلی کتاب است و نویسنده ضمن

۱. کرمانی، صد خطابه، ص ۷۲.

۲. آدمیت، اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی، ص ۵۷.

۳. کرمانی، صد خطابه، ص ۴۹.

تمسک به ابیاتی از حافظ، سعدی<sup>۲</sup> و مولانا<sup>۳</sup>، بسیاری از اسطوره‌ها و عناصر تاریخی ایران قبل از اسلام را دستمایه تحلیل‌ها و توصیف‌های شخصی خود قرار می‌دهد. در خلال همین گفتگوهاست که می‌توان با طرز تلقی وی از اسطوره‌های ایران نیز آشنا شد.

میرزا آقاخان نخستین نویسنده تاریخ ایران است که دلیل سقوط ساسانیان را در سرکوب حرکت اصلاح‌طلبانه مزدک می‌داند. امری که آشنایی با نگرش‌های انقلابی غرب را در ارائه آن مؤثر دانست. او بر خلاف آخوند زاده که به مانکجی و جلال‌الدین میرزا ارادتی خاص داشت، آن دو را به دلیل اغراق‌گویی‌های‌شان به شدت نکوهش می‌کرد.<sup>۴</sup> میان روشنفکران دوره مشروطه، میرزا آقاخان بیشترین توجه را به حماسه ملی و اساطیر ایران دارد.

اثر دیگر میرزا آقا خان، اثری منظوم بر وزن شاهنامه فردوسی است که نامه باستان نام دارد. این اثر در ۱۳۱۶ در شیراز چاپ شد. بخشی از نامه باستان به کوشش شیخ احمد ادیب کرمانی، هم‌شاگردی میرزا آقا خان چاپ شد و چون به عبدالحسین میرزا فرمانفرما سالار لشکر تقدیم شد، نام سالار نامه به خود گرفت<sup>۵</sup> و بخشی دیگر را هم‌شهری دیگر میرزا آقا خان و شاگرد او یعنی ناظم‌الاسلام کرمانی در تاریخ بیداری ایرانیان آورده است.<sup>۶</sup> این کتاب در قالب شعر حماسی، به تاریخ ایران باستان پرداخته است. از میرزا آقاخان، کرمانی کتاب دیگری هم در دست است با عنوان رضوان که تأکید این پژوهش بر آن است و کرمانی در آن به افتخای گلستان سعدی رفته.

تا آن‌جا که می‌دانیم، این اثر تاکنون به چاپ نرسیده و نسخه خطی‌اش به شماره بازیابی ۱۱۶۷۲۳ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود. توضیحات بیشتر در مورد این اثر در ادامه خواهد آمد. کتاب، مشتمل بر وعظ و نصیحت بوده، در یک دیباچه، چهار باب و یک خاتمه تنظیم شده و حماسه ملی ایران در آن بازتابی نیافته است: موسم نخستین در عشق و حسن و مقتضیات ایام شباب و ریحانی جوانی، موسم دُیم در تهذیب اخلاق و نتیجه فحص و طلب، موسم سیم در سیرت بزرگان و آداب ملوک، موسم چهارم در لطایف محاضره و نوار مفاکحه و خاتمه در مطالعات حکمت آیات و عبارات عبرت اشمال.

علاوه بر این‌ها، کرمانی نامه‌هایی هم به ملکم نوشته که با تمام اسناد شخصی مربوط به ملکم خان، نهصد سند تاریخی را تشکیل می‌دهند و مجموعاً توسط همسر ملکم به کتابخانه ملی پاریس هدیه شده است.<sup>۷</sup> برخی نامه‌های کرمانی را برای نخستین بار در سال‌های ۱۳۴۸ و ۱۳۴۹ محمد کشمیری در نشریه

۱. همان، ص ۵۱-۱۱۲-۱۷۴.

۲. همان، ص ۹۰.

۳. همان، ص ۹۶-۱۹۳.

۴. کرمانی، آیین سکندری، ص ۳۹۲.

۵. آدمیت، اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی، ص ۵۴.

۶. کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ص ۵۳-۱۴۲.

۷. آجودانی، مشروطه ایرانی، ص ۵۲۲.

«بررسی‌های تاریخی» (شماره‌های ۵، ۶، ۲، ۱) منتشر کرد که بعدها توسط هما ناطق و محمد فیروز در قالب کتابی با عنوان نامه‌های تبعید انتشار یافت.

آنچه در این بین در تاریخ‌نگاری کرمانی باید مورد توجه قرار گیرد، تأثیرپذیری او از متون دساتیری پارسیان هند و پیروان آذر کیوان است. پیروان آذر کیوان گروهی از زرتشتیان‌اند که در دوره صفویه در هند مکتب جدیدی در تاریخ‌نگاری ایران باستان و روایات ملی ایجاد می‌کنند و از طریق تاریخ‌سازی، سلسله‌های جدیدی مانند آبادیان و آذریان را وارد تاریخ‌نگاری‌های اساطیری ایران می‌نمایند.<sup>۱</sup>

در مورد شیوه نگارشی موجود در برخی آثار کرمانی مانند سه مکتوب، سوسمار الدوله و صدخطابه و ظهور شخصیتی خیالی با نام جلال الدوله و همچنین نگرش مکالمات خیالی، باید اشاره داشت در این دوره ژانرهای متعدد دیگر هم وجود دارد که پیشگامی آن با ملکم خان است. دو رساله «رفیق و وزیر» و «شیخ و وزیر» از ملکم خان،<sup>۲</sup> رسائلی که در یکی رفیق نماد شخص تجددگراست و وزیر، نماد اشخاص حاضر در دولت ناصری و در دیگری شیخ، نماد شخص متحجر است و وزیر، نماد شخص فرنگ رفته و آشنا با علوم جدید. «کتاب احمد» که صحبت طالبوف تبریزی با فرزند خیالی‌اش است و همچنین صحبت‌های میرزا صادق و میرزا عبدالله در سیاست طلبی، اثر دیگر طالبوف از این قبیل مذاکرات است.<sup>۳</sup>

در مطبوعات دوره مشروطه نیز نمونه‌های این ژانرها متعدد است؛ برای نمونه «مکالمه خسرو و برزو»، «سؤال و جواب مشهدی محمدتقی و کربلایی محمد تقی یا مکالمه مستبد و مشروطه‌طلب» که مناظره‌ای خیالی میان یک موافق و یک مخالف مشروطه است، «خزان و بهار»<sup>۴</sup> و صحبت‌های خیالی پروانه و خروس در رابطه با «وجود عنود استبداد»، «حمام جنیان»<sup>۵</sup> و مذاکرات دو شخص خیالی با نام‌های حیدرخان و پسرش حسن خان در رابطه با نگرش‌های سنتی و تجددگرایانه، «صحبت داش حسن با داش اسدالله در قهوه‌خانه عرش»<sup>۶</sup> در رابطه با مالیات و فساد اداری دوره قاجار، گفتگوی «گرگ و گوسفند»<sup>۷</sup> و ظهور شخص ستم کار در قالب گرگ و مظلوم در قالب گوسفند و نصیحت‌گویی‌های گوسفند که تقلید از نگارش‌های سعدی را در ذهن تداعی می‌کند، «گفتگوی میرزای با علم با یک نفر عوام مستحضر»<sup>۸</sup> در رابطه با مسئله عدالت و قانون در دوره مشروطه، «لطائف»<sup>۹</sup> که صحبت خیالی گوینده اول شخص با شیخ

۱. بهرام بن فرهاد، شارستان چهار چمن، ص ۱۳؛ دبستان المذاهب، بی نام، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ص ۷-۱۶.

۲. اصیل، زندگی و اندیشه‌های میرزا ملکم خان ناظم الدوله، ص ۱۱۹.

۳. طالبوف تبریزی، سیاست طلبی، ص ۶۳-۱۲۰.

۴. روزنامه پروانه، «خزان و بهار»، ص ۷-۵.

۵. روزنامه تمدن، «حمام جنیان»، ص ۴.

۶. روزنامه کوکب دری، «صحبت داش حسن با داش اسدالله در قهوه خانه عرش»، ص ۴.

۷. روزنامه اتحاد اسلام، «گرگ و گوسفند»، ص ۳.

۸. آدمیت، ناطق، «گفتگوی میرزای با علم و یک نفر عوام مستحضر»، ص ۴۳-۱۳۸.

۹. روزنامه اوقیانوس، «لطائف»، ص ۳.

لطیف در رابطه با مفهوم استبداد است، مکالمات خیالی شیخ ابراهیم زنجانی با نورالانوار، «کاغذ از عالم برزخ»<sup>۱</sup> که شامل صحبت‌های خیالی شیطان با مردم در مورد افول مشروطه است و همچنین صحبت‌ها و شخصیت‌پردازی‌های خیالی «حاجی بابا» در روزنامه آذربایجان، «غفار و کیل» در روزنامه حشرات الارض، «ملا نصرالدین» در روزنامه ملانصرالدین، «آقای متمدن» در روزنامه غیب‌نما و «شب‌پره» در روزنامه پروانه از نمونه‌های این مذاکرات و شخصیت‌پردازی‌های خیالی در ژانرهای این دوره است که کرمانی نیز به تقلید از آخوندزاده، این انگاره‌پردازی‌ها را در قالب شخصیت خیالی جلال‌الدوله در آیینة سکندری، سه مکتوب و صدخطابه ترسیم می‌نماید.

### تحلیلی از رساله رضوان

رساله رضوان، نسخه‌ای خطی است و تا کنون به چاپ نرسیده است. کرمانی در این کتاب به اقتضای گلستان سعدی رفته، به صورتی که او را آخرین و برجسته‌ترین مقلد سعدی در دوره نهضت فکری مشروطه و میان دیگر روشنفکران این دوره می‌توان دانست. همچنین در این رساله اقتباس‌هایی از اخلاق‌الاشرف و رساله دلگشا از عبید ذاکانی، صورت گرفته است.<sup>۲</sup> این کتاب محوریت اصلی خود را نصیحت‌گویی به شخص شاه و پند دادن به او قرار داده است. نمونه دیگر این امر در قطعه شعری با عنوان «در خطاب زمین‌بوس به اعلیحضرت شاهنشاه ایران» است. متنی که در نوشته‌های خود کرمانی باقی نمانده است، اما شاگرد او ناظم‌الاسلام کرمانی، آن را در اثر خود آورده است.<sup>۳</sup> کرمانی در این شعر پس از ذم ناصرالدین شاه، به تقلید از سعدی، چنین می‌سراید:

الا ای شه نامدار کهن  
که خاطر نگهدار درویش باش<sup>۴</sup>

در بخش دیباچه، کتاب به «السلطان عبدالحمید خان غازی»، سلطان وقت عثمانی، تقدیم گردیده است<sup>۵</sup> و در ادامه به ذکر اوصاف «حضرت آصف‌جاه معارف پناه»، صدر اعظم عثمانی می‌پردازد<sup>۶</sup> که دلیل ایجاد انگیزه‌های تجددگرایانه در برخی مقامات سیاسی دولت عثمانی بوده است. ویژگی کتاب این است که متن نثر و نظم در ادامه هم می‌آیند و انتهای هر صفحه، کلمه اول صفحه بعد ذکر شده است و هیچ کدام از صفحه‌ها شماره صفحه ندارد. آن نسخه توسط شخصی ناشناس کتابت شده و تاریخ اتمام آن ۱۷ ربیع‌الاول ۱۳۲۷ قمری یعنی ۱۴ سال بعد از قتل میرزا آقا خان ذکر شده است که نمونه‌هایی از آن در

۱. روزنامه آیینة غیب‌نما، «کاغذ از عالم برزخ»، ص ۴.

۲. پارسی نژاد، روشنگران ایرانی و نقد ادبی، ص ۱۲۱.

۳. کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ص ۱۴۷.

۴. همان، ص ۱۴۸.

۵. کتاب رضوان، کرمانی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ص ۴.

۶. همان، ص ۱۴.

انتهای مقاله درج شده.

کتاب رضوان دارای یک دیباچه و چهار باب است. فصول آن عبارت‌اند از:

۱. موسم نخستین: در عشق و حسن و مقتضیات ایام شباب و ریحانی جوانی؛
۲. موسم دیم: در تهذیب اخلاق و نتیجه فحص و طلب؛
۳. موسم سیم: در سیرت بزرگان و آداب ملوک؛
۴. موسم چهارم: در لطایف محاضره و نوار مفاکحه؛
۵. خاتمه کتاب: در مطالعات حکمت آیات و عبارات عبرت اشمال<sup>۱</sup>.

در این کتاب از قول اشخاص تاریخی، اساطیری، حکماء، شاعران و اشخاص معاصر دوره نگارنده سخن به میان آمده است. اشخاصی چون فیثاغورث: ریاضی‌دان، آصف‌الدوله: حکمران خراسان، ارسطو: فیلسوف، رضا قلی میرزا نادر زاده: فرزند نادرشاه افشار، ملک طهمورث: پادشاه سلسله پیشدادیان، افلاطون: حکیم، احمد بن خالد وزیر عباسی، سقراط: فیلسوف، یوسف علیه‌السلام: پیامبر بنی‌اسرائیل، هرون الرشید: خلیفه عباسی، ملک پرویز: پادشاه ساسانی، قابوس شمس‌المعالی، لویی پنجم، اسکندر رومی، لویی شانزدهم: پادشاه فرانسه، امیرالمؤمنین علی (ع)، بهرام گور: پادشاه ساسانی، نادر شاه افشار، پترکبیر امپراتور روس، امام جمعه طهران: داماد ناصرالدین شاه، یغمای جندقی: شاعر دوره محمدشاه قاجار، ناپلئون سیم، ناپلئون فرانسه و فردریک امپراتور آلمان سخن گفته شده است. در این بین نام برخی از اشخاص به صورت مبهم آمده است و یا به صورت کلی مثل شخص پارسا و شخص روستایی.

در این کتاب برخلاف آیین سکندری و نامه باستان، از حماسه ملی سخن نرفته است و بیشتر جنبه نصیحت به پادشاه را دارد. این نسخه خطی در کتابخانه مجلس به شماره بازیابی ۱۱۶۷۲۳ و شماره مدرک کتابخانه مجلس شورای اسلامی به کد ۲۱۹۵۵-۱۰ قابل بازیابی است.

در مورد شیوه نگارش کرمانی نیز باید اشاره داشت:

۱. در رساله رضوان حرف «گ» به شکل «ک» و بدون سرکش به نگارش درآمده است؛ مانند: کلمات «گفت» و «کویند»
۲. حرف میم در نسخه خطی موجود به صورت چسبیده به کلمه بعد از خود می‌آید؛ مانند: «میدانند» و «مپیرسم»
۳. رساله مذکور بر خلاف دیگر آثار نگارنده آن، رویکردی کاملاً زن ستیزانه دارد.
۴. در این رساله برخی کلمات به صورت مخفف و کوتاه درج شده است؛ مانند: کلمه «دوستار» به جای دوست‌دار.

۱. همان، ص ۲۲.



### اصلی‌ترین نگارش‌های محوری در کتاب رضوان

نگاشته‌های محوری در رضوان، تقلید از باب اول گلستان سعدی در مورد نصیحت و نقد پادشاه و دیگر صاحبان قدرت است. اصلی‌ترین انگیزه میرزا آقاخان کرمانی در نگارش کتاب رضوان، رویکرد نقادانه او به صاحبان قدرت به‌ویژه دوران ناصری در عصر قاجار است. امری که به نظر می‌رسد الگوبرداری مطلق از باب اول گلستان بوده باشد. سعدی در گلستان هر بند و هر بند خود را با عنوان حکایت جدا می‌کند، امری که توسط کرمانی هم الگوبرداری می‌شود. بیشترین تقلید کرمانی از سعدی در عرصه سیاست و سیرت صاحب قدرت است. امر دیگری که در این بخش قابل ذکر است، آیین زمان خود بودن گلستان سعدی است.<sup>۱</sup> در حقیقت گلستان متنی بر آمده از جامعه قرن ۷ هـ ق است و گفتمان حکومتی یکی از اصلی‌ترین و پر رنگ‌ترین گفتمان‌های سعدی است؛ گفتمانی که مشارکاتی چون پادشاه، وزیر، قاضی، رعیت و دیگر صاحب‌منصبان زمانه سعدی در آن وجود دارند. سعدی در نخستین حکایت از اولین باب گلستان، مفاهیمی چون ماهیت قدرت دنیوی و دگرگونی آن، کیفیت رابطه بین دولت و رعیت، مصلحت‌جویی در دستگاه وزارت و نسبت بین اخلاق و سیاست را مطرح می‌کند<sup>۲</sup> تا هشدارهای لازم را به صاحب قدرت بدهد. این امر در مورد کتاب رضوان نیز صادق است. در این مورد نیز گفتمان تاریخ اجتماعی و گفتمان حکومتی، دو گفتمان رایج کتاب رضوان است. در گفتمان تاریخ اجتماعی است که به دلیل حضور اشخاصی چون امام جمعه طهران، آصف‌الدوله و دیگر هم‌عصران کرمانی، می‌توان رضوان را آیینه جامعه ایران در قرن ۱۳ قمری و معرف زمانه ایران در دوران قدرت ناصرالدین شاه قاجار دانست. در گفتمان حکومتی، صعود و سقوط قدرت، آگاهی از حضور چاپلوسان و شاد نشدن سلطان به تحسین‌های آنان گوشزد می‌شود. در کتاب رضوان موقعیت قدرتمندان قاجار و پندهای کرمانی به آنان را به وضوح می‌توان مشاهده کرد.

میرزا آقا خان کرمانی نیز مانند سعدی به مسئله عدالت‌محوری و رعیت‌پروری در کتاب رضوان به خصوص در باب سوم آن توجهی ویژه دارد. از دید کرمانی، عدالت اصلی‌ترین ضامن پایداری قدرت صاحبان قدرت است. در این رابطه، در حکایت دوم گلستان، اول بار چنین از نوشیروان یاد می‌شود:

زنده است نام فرخ نوشیروان به خیر      گرچه بسی گذشت که نوشیروان نماند<sup>۳</sup>

سعدی در اولین حکایت از نخستین باب گلستان از پادشاهی سخن می‌گوید که «به کشتن اسیری» دستور می‌دهد.<sup>۴</sup> سعدی در آن داستان به نصیحت پادشاه می‌پردازد و او را پندی می‌دهد تا از ریختن خون رعیت بپرهیزد. در الگو برداری از نصایح سعدی در رسائل رضوان نیز کرمانی در برابر ستم‌پیشگی و خون‌ریزی پادشاه به اقتفای سعدی، او را نصیحت می‌کند که:

ریختن خون بی‌گناهان را      تا شوی در جهان امیر اجل

۱. نراقی، «مفهوم اعتدال و عدالت در اندیشه سعدی»، ص ۳۲۴.

۲. امانت، «برطاق ایوان فریدون: نقش دولت و رعیت در دیده سعدی»، ص ۱۶۱.

۳. سعدی، گلستان، ص ۵۹.

۴. همان، ص ۵۸.

تو هم ای میر نامور روزی کشته خواهی شد به تیر اجل<sup>۱</sup>  
رویکرد دیگر در کتاب رضوان به جایگاه کارگزاران است. کرمانی در دیگر سخنی اشاره دارد: «بی سر و پا را چه دولت شد مساعد»<sup>۲</sup>، مردم از ظلم او دست بر آسمان بلند می‌کنند و مخالفت خود را با او آغاز می‌نمایند. با توجه به این امر، اولین گام سیاسی برای سلطان را مشروعیت مردمی می‌داند. قدرت از نظر کرمانی در رسالهٔ رضوان، ماهیتی فسادآور دارد و به سلطان نصیحت می‌کند که آخر به دست همان قدرتی که در دستان اوست، هلاک خواهد شد

می‌شود مارگیر کشته ز مار کانش آرد ز جان کبر و دمار<sup>۳</sup>  
در این عرصه البته به چاپلوسان در گرد قدرت شاه هم اشاره دارد که «هرکس خون مظلومان را به شیشه کند تا خاطر ظالمی را به دست آورد حق سبحانه و تعالی همان ظالم را بر وی مسلط فرماید تا رمار [دمار] از روز کارش [روزگارش] برکشد.»<sup>۴</sup> برای سلطان از دامن‌گیری آه مظلومان ستم‌دیده سخن گوید:

آه مظلومان همچو سوهان است می‌کند تیز آزه را دندان<sup>۵</sup>  
او به قدرت و راه‌های به دست آوردن آن دیدی مثبت ندارد. از زبان درویشی به فرزندش می‌گوید: اگر می‌خواهی ای فرزند به قدرتی برسی، «باید امروز درمی چند از سیبل حرام گرد آوردن و شبانه به یکی از میخانه‌های شهر رفتن و همه شب تا صبح به شرب خمر و انواع لهب و لعب مشغول گشتن؛ بامدادان به در خانه صدراعظم شتافتن همان است و مقصود یافتن همان.»<sup>۶</sup> در این حکایت راه رسیدن به قدرت را علاوه بر چاپلوسی، انجام منکرات و زیر پا گذاشتن اخلاق می‌داند.

به صاحبان قدرت نصیحت می‌کند کارهای خود را به خردمندان واگذار کنند که اگر کار دولت در دست ناهلان و دورویان افتد، برای حاکم و قدرت او بلایی عظیم به بار آورد. در ادامه پندی دیگر به صاحبان قدرت می‌دهد که به تحسین چاپلوسان دل شاد نکنند. در قطعه این حکایت گوید:

بلا و آفت شاهان نامدار این است که بشنود سخن هر مراهن منفور  
از این بتر نبود آفت و بلا هرگز که چاپلوسی دونا نشان کند مغرور<sup>۷</sup>

دیگر نوشته‌های محوری در کتاب رضوان به اختصار عبارتند از:

خرد ورزی:

۱. کتاب رضوان، کرمانی، کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی، ص ۲۵.

۲. همان، ص ۳۰.

۳. همان، ص ۴۹.

۴. همان، ص ۴۹-۵۰.

۵. همان، ص ۵۰.

۶. همان، ص ۳۹.

۷. همان، ص ۴۴.

یکی از اصلی‌ترین نکات مورد توجه کرمانی در کتاب رضوان، مسئله عقل‌گرایی است. کرمانی از زبان خدا گوید: «سه چیز را به سه چیز موکول داشتیم: رزق را به حق و بلا را به نطق و حرمان را به عقل.»<sup>۱</sup> در جایی بلا را در نطق می‌داند و در جایی دیگر می‌نویسد بر سکوت توجه دارد و گوید:

زبان مترجم عقل است نزد اهل خرد  
اگر چه شرط خرد هست صمت و خاموشی<sup>۲</sup>

در محور خرد نگاری، الگو برداری کرمانی از شخصیت بزرگمهر در گلستان سعدی است. بزرگمهر در گلستان سعدی نمادی از خرد است و اول بار در دیباچه گلستان است که نام «بزرگمهر» آورده می‌شود و نماد شخصی است که بی‌تأمل به گفتار دم نمی‌زند و کسی است که «بیندیشد آنگه بگوید سخن»<sup>۳</sup> کرمانی نیز در ارجمندی مقام سکوت از ضرب‌المثل‌های عامیانه مانند زبان سرخ سر سبز را دهد بر باد استفاده می‌کند<sup>۴</sup> تا اهمیت این موضوع را واضح‌تر برای مخاطبش بیان کند.

زن ستیزی:

دیگر نگاه‌سته اصلی میرزا آقا خان در این رساله، زن ستیزی اوست. وی بر خلاف دیگر آثارش مانند سه مکتوب که در آن به دفاع از زنان می‌پردازد<sup>۵</sup> و در مجموع حامی تساوی حقوق مرد و زن است، در رساله رضوان، کمی زن ستیزی است. زن ستیزی یا کمی ملایم‌تر، زن‌گریزی موجود در ادبیات کلاسیک، در آثار سعدی به وضوح دیده می‌شود؛ به طور مثال از نظر سعدی، مرد بی‌مروت، زن است.<sup>۶</sup> کرمانی در بخش‌هایی از کتاب رضوان، نگرش‌های زن‌گریزانه خود را که تأثیر پذیرفته از گفتار سعدی است، به نمایش می‌گذارد. برای نمونه، در ابیاتی به نکوهش زنان مسن پرداخته، می‌گوید:

زنی که سالش رسید به پنجه و شصت  
نه زن است آن که هست از درها<sup>۷</sup>

کرمانی در حکایتی دیگر در نکوهش زنان اشاره دارد:

«حکیمی از تازه دامادی پرسید زنت خوشگل است نه؟ جواب داد که بسیار عقیقه و دوستار و هوشمند و نیکو کردار است. حکیم گفت: من تنها از صورتش می‌پرسم، زیرا که توقع چیز دیگر کردن از زنان خطاست.»<sup>۸</sup>

در رابطه با ابیات و حکایت‌های زن‌ستیزانه در آثار کرمانی باید اشاره داشت تنها در رساله رضوان است که او به ضدیت با زنان می‌پردازد که دلیل این امر هم نگارش این رساله در دوران جوانی او است، دورانی

۱. همان، ص ۱۸۴.

۲. همان، ص ۱۴.

۳. سعدی، گلستان، ص ۵۶.

۴. کتاب رضوان، همان، ص ۲۷۸.

۵. البته دلیل این امر را در ابتدا در ستیز او با مبانی دینی باید دانست.

۶. سعدی، همان.

۷. همان، ص ۲۲۷.

۸. همان، ص ۲۲۰.

که با اندیشه‌های غربی و مساوات‌طلبانه حقوق مردان و زنان آشنایی نداشته است. روحانیت ستیزی:

میرزا آقاخان در این کتاب نیز مانند کتاب سه مکتوب، به نقد و مخالفت با عالمان دینی‌ای می‌پردازد که تظاهر به دین‌داری می‌کنند. در این اثر تنها به شیخ هادی نجم‌آبادی دیدی مثبت دارد و می‌گوید شیخ «پایه فناعت را بر اساسی چنان استوار گذاشته»<sup>۱</sup> که مورد مثل دیگران است و البته به نقد کسانی چون امام جمعه طهران می‌پردازد. او اشاره دارد: «امام جمعه طهران به تلاشی عظیم افتاد؛ بحران سختش روی داد، طولوزان دکتر را به عبادت وی آوردند. طولوزان خوردن شراب کهنه تجویز کرد. ام [امام] استجابتش نمود که اگر بخورم به جهنم خواهم رفت. دکتر گفت اگر نخورید زودتر خواهید رفت.»<sup>۲</sup> او به واعظان و روحانیان نقد وارد می‌کند که واعظان شرعی هر چه را می‌خواهند، در لباس حدیث و دروغ مطرح می‌کنند و هر که را از منبع سخن را می‌پرسد، کافر می‌نامند.<sup>۳</sup> البته این امور به معنی دین‌گریزی او حداقل در این کتاب نیست. کرمانی در این کتاب به ذکر مطالبی از «امیرالمؤمنین علی(ع)»<sup>۴</sup> و «امام جعفر صادق(ع)»<sup>۵</sup> می‌پردازد که خود دلیلی بر این مدعا است.

نقد تقدیر گرای:

میرزا آقاخان به نقد برخی از باورهای عامیانه جامعه مانند تقدیرگرایی می‌پردازد و اشاره می‌کند:

اینکه تقدیر را بهانه کنی	هست تقدیر عین کوشش تو
گر تو داری حواله بر تقدیر	چیست از روزگار جوشش تو
در دنباله همان حکایت می‌گوید:	
نیست معنی توکل هرگز	کارکردن به خلاف تدبیر
متوکل بود آن کس که کند	کوشش و سعی برای تقدیر

### طرح گلستان در رساله رضوان

در عرصه ادبیات کلاسیک و توجه دگراندیشان عصر قاجار و دوره مشروطه، فردوسی به دلیل استفاده از نگرش‌های سیاسی ناسیونالیستی و سعدی به دلیل پند و اندرز در نگاه این متفکران جایگاهی برجسته‌تر از دیگر شعرای کلاسیک دارند. در دوره نهضت فکری مشروطه، میرزا فتحعلی آخوندزاده، نخستین کسی

۱. همان، ص ۱۲۷.

۲. همان، ص ۲۲۱.

۳. همان، ص ۲۲۳.

۴. همان، ص ۱۸۲.

۵. همان، ص ۱۱۴.

۶. همان، ص ۱۸۲.

بود که به دلیل توجه سعدی به اسلام و مبانی دینی،<sup>۱</sup> سعدی کشتی را باب نمود<sup>۲</sup>، اما در همین دوره روشنفکرانی چون میرزا آقاخان کرمانی با نگارش رسالهٔ رضوان، طالبوف تبریزی در کتاب مسالک المحسنین، زین‌العابدین مراغه‌ای در کتاب سیاحت‌نامهٔ ابراهیم بیگ و میرزا حبیب اصفهانی در آثار خود، به کرات از گفته‌های نصیحت‌گونه و پندآمیز سعدی استفاده کرده‌اند. میان این روشنفکران، برجسته‌ترین تقلید از سعدی و گلستان او توسط میرزا آقا خان کرمانی با نگارش کتاب رضوان صورت پذیرفته است. همان‌طور که سعدی در گلستان به عنوان اثری شاخص، قالب مألوف را می‌شکند و طول و بافت حکایت‌ها و موعظه‌ها را به فراخور موضوعش بلند و کوتاه می‌کند،<sup>۳</sup> کرمانی نیز از اسلوب تغییر در حجم حکایات در قالب روش سعدی استفاده می‌نماید. دیگر اقدام مهم سعدی در گلستان، ساده‌نویسی او است. گلستان سرشار از گفتارهای ساده و همه‌فهم است. اصلی که از ارکان رمان در عصر تجدد است.<sup>۴</sup> اصل ساده‌نگاری را نیز کرمانی در کتاب رضوان خود جامه عمل پوشانید و به نقل قول از کسانی مانند امام جمعه طهران، شیخ هادی نجم‌آبادی، آصف‌الدوله حاکم خراسان، حاجی پیرزاده، یغمای جندقی و مشیرالدوله صدراعظم که همگی اشخاصی نام آشنا برای مردم زمانهٔ کرمانی بودند سخن و پند خود را مطرح می‌نمود تا کلامش نفوذ فهم بالاتری در میان مردم داشته باشد.

سعدی باب اول گلستان را در سیرت پادشاهان نام نهاد و در ۴۱ حکایت این باب بیش از همه یعنی دست کم در ۲۷ حکایت با دیدی نقادانه به شاه و صاحبان قدرت نگاه نمود.<sup>۵</sup> کرمانی نیز در باب سوم رضوان که در سیرت بزرگان و آداب ملوک نام گذارده بود، ۶۸ بخش از نگارش خود را به مسئلهٔ قدرت و نصیحت‌گویی صاحبان قدرت و اقتدار می‌پردازد. در این بین ۶۴ حکایت و ۴ حکمت همانند باب اول کتاب سعدی، بیشتر در نصیحت و نقد به قدرت پادشاه است.

تقلید گام به گام دیگر کرمانی از گلستان سعدی، در توجه او به شاهنامه فردوسی است. سعدی هر گاه قصد پند و اندرز سیاسی دارد، بیش از قرآن از شاهنامه فردوسی و پندهای بزرگمهر مدد می‌جوید.<sup>۶</sup> حتی در داستان‌های خود مانند حکایت ۲۲ از باب اول، گوشه چشمی به داستان ضحاک و در آوردن مغز سر جوانان دارد. زمانی که قرار است جوانی را برای سلامتی سلطانی به قتل رسانند، با آنکه فقیه حکم شرعی می‌دهد و خانواده جوان نیز راضی‌اند، سعدی اشاره دارد: «هلاک [پادشاه] اولی‌تر از خون بی‌گناهی ریختن».<sup>۷</sup> در ادامه توجه سعدی به شاهنامه در گلستان، انوشیروان و بزرگمهر بیش از آنکه معرف شاه و وزیر باشند، در

۱. همایون کاتوزیان، «ریشه‌های سعدی کشتی»، ص ۵۱۷.

۲. همان، ص ۵۱۰.

۳. میلانی، «سعدی و سیرت پادشاهان مدخلی برای بحث سعدی و تجدد»، ص ۳-۸۲.

۴. همان، ص ۸۶.

۵. همان، ص ۹۰.

۶. همان، ص ۹۲.

۷. سعدی، گلستان، ص ۷۶.

واقع‌مبین دو فضیلت اساسی در فرهنگ سیاسی ایران‌اند، که آن دو عدالت و خرد است.<sup>۱</sup> همان‌گونه که سعدی در گلستان از نمادهای عدالت‌گرایانه و خردورزانه در شاهنامه استفاده می‌کند، کرمانی نیز در کتاب رضوان بارها از بوذرجمهر با عنوان «حضرت بوذرجمهر» سخن می‌گوید<sup>۲</sup> و توجهی خاص به برجستگان اخلاقی شاهنامه مانند کیخسرو،<sup>۳</sup> به عنوان برجسته‌ترین پادشاه اساطیری ایران دارد که در اوج قدرت از سلطنت کناره‌گیری می‌نماید و راه عبادت را در پیش می‌گیرد.

رویکرد دیگر، حماسه‌سرایی است. کرمانی میان آثار خود، آئینه‌سکندری و نامه باستان یا سالار نامه را جای داده که آن دو را در قالبی حماسی و به تقلید از فردوسی سروده است، اما اسلوبی که در رساله رضوان مورد استفاده قرار می‌دهد، دارای روشی متفاوت نسبت به دیگر آثار اوست که تا حدودی شباهت به نگارش سعدی دارد. سعدی در گلستان حماسه‌ها و افسانه‌های خود را در حوزه ذهنیات ترسیم می‌نماید و با عینیات کاری ندارد و پندهای خود را در حوزه آزمایش‌ها و کوشش‌ها و بی‌باکی‌ها ظاهر می‌نماید و نه در عرصه پهلوانی و میدانی<sup>۴</sup>. کتاب رضوان کرمانی نیز همین اسلوب را پی می‌گیرد. کرمانی اگرچه در نامه باستان و آئینه‌سکندری نگرش حماسی را با ظاهری پهلوانی می‌نویسد و این امر را در مورد پهلوانانی چون رستم، شاهزادگانی چون افراسیاب و شاهانی چون فریدون در نبرد با ضحاک مورد استفاده قرار می‌دهد، اما در کتاب رضوان به نظر می‌رسد از اسلوب رمانس<sup>۵</sup> پیروی می‌کند. به نظر می‌رسد اثر میرزا آقا خان در توجه خاصش به سعدی و تقلید از او رنگ تعصب می‌گیرد. از شعرای دوره قاجار کسانی بودند که به سبک گلستان سعدی شعر می‌سرودند که از این میان قائلانی را می‌توان نام برد. قائلانی که پریشان خود را به سبک گلستان سعدی سروده بود، مورد نقد کرمانی قرار گرفت. دلیل نقد در نگارش کرمانی این بود که چرا قائلانی نام پریشان را که دارای باری منفی است برای کتبی انتخاب نموده است که به تقلید از گلستان سعدی به نگارش در آورده است.<sup>۶</sup>

از دیگر نمونه‌های مشابه در گلستان سعدی و رضوان کرمانی، اشعاری است که تا حدودی نزدیک به همدیگر به کار رفته‌اند.

سعدی در مورد تاریخ نگارش گلستان اشاره دارد:

اول اردیبهشت ماه جلالی  
بلبل گوینده بر منابر قضبان

۱. دباشی، «انوشیروان و بوذرجمهر در گلستان سعدی»، ص ۸۹.

۲. کتاب رضوان، کرمانی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ص ۱۳۴.

۳. همان، ص ۱۷۱.

۴. همایون کاتوزیان، «حماسه سرایی سعدی»، ص ۷۵۹.

۵. رمانس به معنی قصه‌های منظوم تاریخی و غیر تاریخی است که در قرون نخستین میلادی مورد استفاده بوده است.

۶. کتاب رضوان، کرمانی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ص ۲۷۰.

بر گل سرخ از نم اوفتاده لآلی  
کرمانی نیز بر همین اساس اشاره دارد:  
موکب اسفندیار ماه جلالی  
شاخ مزین شد از جواهر الوان  
سعدی در مورد به نگارش در آوردن گلستان گوید: «بامدادان که خاطر باز آمدن بر رأی نشستن غالب آمد»<sup>۳</sup> کرمانی نیز به تقلید از او اشاره دارد: «بامدادان که از غیب به شهود و از نوم به قعود آمد.»<sup>۴</sup>  
سعدی در دیباجه گلستان آورده است:

گلی خوش‌بوی در حمام روزی  
بدو گفتم که مشک‌ی یا عبیری  
بگفتا من گلی ناچیز بودم  
کمال همنشین در من اثر کرد  
کرمانی نیز بر اساس ابیات سعدی گوید:

فسرده بلبلی دیدم به بستان  
بدو گفتم چه شد آن شور شهناز  
بگفتا کان نواهای عجب بود  
سلیمانم هزار آموخت دستان  
در ایام خزان بر شاخساری  
که شهر آشوب خواندی هر کناری  
مرا در سایه عشق نگاری  
وگر نه من همان خاکم که هستم<sup>۵</sup>  
وگر نه من یکی مرغ نزاری<sup>۶</sup>

بیشترین تقلید کرمانی از گلستان در بخش مقدمه کتاب رضوان است که الگو برداری مشابهی از بخش دیباجه گلستان است. تقلید دیگر استفاده از اشخاصی است که از قول آن‌ها سخنانی مطرح می‌شود. سعدی در گلستان به اشخاص اساطیری چون جمشید، زال و فریدون استناد می‌کند که این امر در نگارش میرزا آقاخان هم دیده می‌شود. شباهت در نقل قول‌هایی که کرمانی می‌آورد و سخنانی که از زبان اشخاصی چون هارون الرشید نقل می‌کند، همانند گفته‌هایی است که سعدی از زبان هارون الرشید می‌گوید، اموری که نشان دهنده میزان تقلید کرمانی از سعدی است.

۱. سعدی، گلستان، ص ۵۴.

۲. کتاب رضوان، کرمانی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ص ۷.

۳. سعدی، همان.

۴. کتاب رضوان، کرمانی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ص ۸.

۵. سعدی، گلستان، ص ۵۱.

۶. کتاب رضوان، کرمانی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ص ۵.

کتاب و صورت

بهار ایزدستان  
تعالی در آن اه زین که وحدت منشأ کثرت است  
و توصیف اندیش مزید حیرت هر تزییر که خواهد  
تعیین زندان است و چون تشبیه سران عدل در صفات  
پس شای حضرتش لا یجیبی است و تقدیرش نعمت  
واجب الایما در هر نفسی نگرها باید و در هر سوزگری  
منشأ بر گیرد و آن تقدیر و انیز از الله لا یخصونها  
تطعمه

چون بتوان کرد ادا حق نگر... مبنه مسکین بگردد با  
را نگر کی نگر کند که صورت نگر کی باید پیش آرد جلی  
بر مایه چون عهدش هر کسی یکسان است و در روزش اسلام  
نهی بر هر یکان قدم اخصان در هر ای غمزان بگون سبک  
بنده و دولت متکوران را با پروی مستغنیان بر پیشند  
تطعمه

بگردان خون و در اخصات در به خواند منعم در پیش  
نرخش را بر خود کنی نویل نگر کی را بر ای اندر جزوی  
ما شله طبعی را نویوده تا به روز و رسان کل خانه کند  
و باران بیعی را عوسنده تا بعد سبیل ناله نماید بسط

هستان

بوستان را بشتر یوب قدم موک ابلاری بساوستیون  
الماختر و اطهال بو یاده کلت از اوستیون بر صورت  
خلت ساخت برت در ایمن را از ریاح و بی سرخ روی  
بخشوره و شاخ نیستان را از حساب نیسان سرخویک  
داره دانه خورا تقدیرش نخل دانه الا کام گفته و در  
بطون علی شربت مختلف الا اوارت هشتده  
تطعمه

کوبه برغان صبور و هر پنج کتا... شاخ گل بنویز تیغ و زین کند  
اوبیش هر در حالت ایزد جیوی واد می یازده صوره اطهال کند  
در آن است ارا شربت کائنات و اولد تقیبات ختم رسل و عجا  
سبیل احمد و عود و محمد محمود شعر  
شقیق عطف اولمیتیم ند بر بشتر رسول کریم  
در الله تعالی دارالایضیاله مات الله عزوجل ۴ الی یومنا

چشم ز صبح که در عالمی امانت... کوه ابلایت کازارت منبر پنج  
کچونگی از جهودان تهر کتاب سید روشن کادره پیکاه کوه  
کبریا هموزن غناب و موذن غناب آید سده شزیده از نگاه  
در مده ملاقات انبیت بای خیالت بر ندارد ایزدستان

پیام بهارستان / ۲۵، س ۷، ش ۲۵ / بهار و تابستان ۱۳۹۴

صفحه آغازین رساله رضوان



اعتقاد الوریاء الهیة و مستشار السارة السیرة اطال الله  
 آیام و دوما و انیر الله بنا احسا کرا زنده حسنا است  
 و کلانیه طبع سوغات و قطعیه  
 عدل عیانیش فرزند زلفاد صیت حسنی بزود زلفاد  
 عاطفت مرهادر او صغر لطفا و در سرش و بخت و بخت  
 طالع و فضیلت مکر و جزا است همو و جزا اندر او به شیطیت  
 کوزنده طلعتی همیش کوزاننده حامدیش توکلت  
 بیست  
 دایه لطیفی انانیه عین خرد و عیالیان بخواند او را  
 شهید و تاریخ کتاب و ترتیب ابواب  
 لایم این فصلی شوی در لغو اکتفوی بیع و عیش و تناسف  
 این آثار شایسته فیض با هرات چنانکه کون هوره خزان  
 بخلاف اینها که اولی در سلطه سیزه و ریاضت کسب زوره  
 دارد و کل پیوه را با هم سبب از آفرین چهار موسم عشق  
 و با هم عنوان موسم شغوی  
 در انالی کوزون محنت شد هرا و سید و چهار نام شد  
 هر معصوم و ما بنده و پیوسته بنا اظهار نکات و محسب بود  
 چه که گهای بنیاد که گفتم چه که هر هالی عیان که معنیتم  
 اگر

اگر ناید، کیوش رعیت کی رسالبع حکمت باشد نوی  
 (فهرست ابواب کتاب)  
 مقدمه در مسألات نفوس و انقلابات و روزگار  
 موسم اول در بیان عشق و محبت و مقتضای بون  
 موسم دوم در مذهب و ایمان و نتیجه اخلاقی و طلب  
 موسم سیم در معرفت برزخ و آداب بلوغ  
 موسم چهارم در لطافت مذهب و اولاد و در مذهب  
 خامنه در مطالب حکمت آیت و عدالت عبرت استمال  
 قطعیه  
 رساله اولی این مضمون مکرر است با این بار ناری  
 و فانی نیست با دروز ناام اگر روزی بود بار و روزگار  
 عقان سه  
 در مسألات نفوس و انقلابات و روزگار  
 حکایت  
 این نامه با آنکه رنگ را با سبب تادی و علم و موعود و یکتا  
 سخن آنکه خدا چهار قلم نفوس و انانیتان و اینها را چهار  
 قطعیه  
 سخن از نغزای و دهه آینه بود کار همتا جینی خاک گویند

بخشی از دیباچه و فهرست ابواب کتاب

خزانه عیب پوی است **حکایت**  
 هر که در عیب دیگران گوید دیده از عیب خویشانش پویند  
**حکایت**  
 حکیم را حال جاهل احاطت کامل باشد که تو زبان عیب برده  
 و جاهل را حال حکیم غافل روز اهل بود که با تو از سبیده  
**نبرد**  
 مردمانا را حال جاهلان هست احاطت چون بجای آنگاه  
**تنبیه**  
 نگر عذر گناه است نقض تو بت تاخیزد تو بت  
**نبرد**  
 چند عذر آوری ز نهی گناه که بود عذر از گناه بر  
**تنبیه**  
 هر که با ی گناه خود عمل چسبند گناه در یک چشم عدالت عمل نشند  
**نبرد**  
 هر که بپوشد گناه خود به رخ میکند او یک گناه را در  
**حکایت**  
 درخت آید بپیشش بقیه است و در لاش زین و شلغ ز  
 دیوهی

و برهیزد کلش و میا و میوز و نوزن عمار جور و آتش و اهر صدف  
 باصت و با عیان ترا نه است **تطعمه**  
 ایمان کل بود که بر طاعت توین شناختن هر عبارت و برکت بود  
 آتیه ز تجویب اعلم و هدایت خود و عتبات میثاق بدین  
**لطیفه**  
 که قبل از آمدنید الا آمدید / بپوز عشق را جز عشق دیگر  
**نبرد**  
 و مست خاکن بران دوست بدین است ادهو و کلاب با در به  
**نبرد**  
 السروع التهور  
 این بیخیز است حالت دوار که کوی کل بعد تو را که خار  
**تنبیه**  
 آنکه در پیش پیشها را باشد بصد عشق اعتماد نشاند  
**بلیت**  
 پیشه تو زین هو که راحت در رخ هم بصد عشق نمائید رخ تو رخ  
**تنبیه**  
 قصرت بیک دروغ از روم بزنگان و از بپین بپونک ساریت کند  
**نبرد**  
 صور بای دروغ در عالم هست عصری زار در و صد  
 طالعون

بخشی از صفحات میانی رساله، شامل حکایات، پنده، ابیات و تشبیه

نعمۃ الجاهل کروضۃ علی من بلۃ

بیت

آن نبهت که مرا نمکند کاویت که منبر افکنده

بیت

بومیر العقل ان طرح عنک واردات الفهم و بعزایر الصبر

بیت

خزنده مردم بصبر و شکیب کند دور از خود برای <sup>حقیق</sup>

تفسیر

نیکیست در دنیا آن کسی است که امور خود را بر پایه عدل و در تقاضای <sup>تقدیر</sup> و روی خود را بر آشنای و بیگانه کنار گذاهد خدای تعالی اسباب در این آرام جای ساخته دارد و موحیبات سعادتش را در بهشت

موجود می‌آورد <sup>نظمه</sup>

نیکیست زمانه آنکس نیست که خدای تعالی <sup>بیت</sup> و مال دهد  
نیکیست آن بود که در عالم کار خود را بر اعتدال نهد

تفسیر

اگر با جنبه حیوان بخورد و جنبه انسان بخواند بریا است

۳۲۷

ممت الکتاب فی صلیح عشر شهر ربیع الاول ۱۳۲۷ هـ

صفحه انتهایی رساله که حاوی تاریخ اتمام نگارش آن است

## منابع

۱. آجودانی، ماشاءالله، مشروطه ایرانی، تهران، اختران، ۱۳۸۷.
۲. آدمیت، فریدون، اندیشه میرزا آقاخان کرمانی، تهران، انتشارات پیام، ۱۳۵۷.
۳. اصیل، حجت‌الله، زندگی و اندیشه میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله، تهران، نی، ۱۳۷۶.
۴. امانت، عباس، «برطاق ایوان فریدون: نقش دولت و رعیت در دیده سعدی»، *ایران‌شناسی*، شماره ۹، ۱۳۷۰، ص ۱۶۰-۱۸۴.
۵. بهرام بن فرهاد، *شارستان چهار چمن*، بمبئی، بی‌نا، ۱۲۲۳ق.
۶. پارسی‌نژاد، ایرج، *روشنگران ایرانی و نقد ادبی*، تهران، سخن، ۱۳۸۰.
۷. دباشی، حمید، «انوشیروان و بوزرجمهر در گلستان سعدی»، *ایران‌نامه*، شماره ۹، ۱۳۷۰، ۸۵-۹۷.
۸. رضازاده ملک، رحیم، *سوسمارالدوله*، تهران، دنیا، ۱۳۵۴.
۹. سعدی، مصلح‌الدین، *گلستان*، به کوشش غلامحسین یوسفی، تهران، خوارزمی، ۱۳۸۹.
۱۰. طالبوف، عبدالرحیم، *سیاست طالبی*، به اهتمام رحیم رئیس‌نیا، محمدعلی علی‌نیا و علی کاتبی، تهران، علم، ۱۳۵۷.
۱۱. قرقلو، کیومرث، «ایرانیان استانبول»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، شماره ۴۹، ۱۳۸۰، ۱۱-۳.
۱۲. کرمانی، میرزا آقاخان، «نامه میرزا آقاخان کرمانی به میرزا ملکم خان»، *بررسی‌های تاریخی*، شماره ۲، ۱-۲۲، ۱۳۴۹.
۱۳. کرمانی، میرزا آقاخان، *آیینة سکندری*، به اهتمام علی اصغر حقدار، تهران، چشمه، ۱۳۸۹.
۱۴. کرمانی، میرزا آقاخان، *صد خطابه*، به کوشش محمد جعفر محبوب، لس آنجلس، شرکت کتاب، ۱۳۸۴.
۱۵. کرمانی، میرزا آقاخان، «نامه میرزا آقاخان کرمانی به میرزا ملکم خان»، *بررسی‌های تاریخی*، شماره ۵-۶، ۷-۱۲۶، ۱۳۴۸.
۱۶. کرمانی، ناظم‌الاسلام، *تاریخ بیداری ایرانیان*، به کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۷.
۱۷. میلانی، عباس، «سعدی و سیرت پادشاهان مدخلی برای بحث سعدی و تجدد»، *ایران‌نامه*، شماره ۴۱، ۷۸-۱۰۰.
۱۸. نراقی، احسان، «مفهوم اعتدال و عدالت در اندیشه سعدی»، *بخارا*، شماره ۱۱، ۱۳۷۹، ۳۱۹-۳۲۵.
۱۹. همایون کاتوزیان، محمد علی، «حماسه سرایی سعدی؟»، *ایران‌شناسی*، شماره ۵۶، ۱۳۸۱، ۷۵-۷۶.
۲۰. همایون کاتوزیان، محمد علی، «ریشه‌های سعدی‌کشی»، *ایران‌شناسی*، شماره ۵۵، ۱۳۸۱، ۵۲۶-۵۰۹.

### مطبوعات

۱. آیینۀ غیب نما، ۳ محرم ۱۳۲۶ق، شماره ۳، «کاغذ از عالم برزخ».
۲. اتحاد اسلام، ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۴ق، شماره ۴، «گرگ و گوسفند».
۳. پروانه، ۱۴ شوال ۱۳۲۸ق، شماره ۲، «خزان و بهار».
۴. تمدن، ۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ق، شماره ۶۱ «حمام جنیان».
۵. رهنما، «سؤال و جواب مشهدی محمدنقی و کربلایی محمد تقی یا مکالمه مستبد و مشروطه‌طلب».
۶. کوکب دری، ۹ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ق، شماره ۷، «صحبت داش حسن با داش اسدالله در قهوه‌خانه عرش».

### نسخ خطی

۱. دبستان المذاهب، بی‌نام، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره بازبایی ۴۴۶۴۸، بی‌نام، ۱۲۵۸ق.
۲. کتاب رضوان، میرزا آقاخان کرمانی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره بازبایی ۱۱۶۷۲۳، بی‌نام، ۱۳۲۷ق.